

حادثه‌ها

دستگیری عامل شهادت مامور پلیس آگاهی

■ ایسنا: در پی شهادت یکی از ماموران پلیس آگاهی تهران بزرگ توسط یک سارق مسلح، پلیس پایتخت از دستگیری متهم به قتل خبر داد. مرکز اطلاع‌رسانی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ اعلام کرد: فردی که مامور پلیس آگاهی تهران را به قتل رسانده بود، در کمتر از ۴۸ساعت در عملیات غافلگیرانه دستگیر شد. استوار یکم «رجب‌پور»، مامور پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران روز یکشنبه حوالی ساعت ۱۶در حین بدرقه متهمان زور گیر و سارقان خودرو توسط چهار متهم مورد حمله قرار گرفت و به شهادت رسید. تحقیقات برای دستگیری سه متهم فراری دیگر هنوز ادامه دارد.

مرگ، پایان ملاقات بامدادی با سارق حرفای

■ شرق: سارق سابقه‌داری که به بهانه فروش لوازم خودرو جوانی را به خیابانی خلوت کشانده و به قتل رسانده بود با حکم دادگاه کیفری استان تهران به قصاص محکوم شد. به گزارش خبرنگار ما، سیدرضایی - نماینده دادستان- در ابتدای جلسه محاکمه این متهم در جایگاه حاضر شد و در توضیح کیفرخواست گفت:احسان آیان سال گذشته جوانی به نام پیمان را با ضربات چاقو به قتل رسانده است. پیمان بعد از مجروح شدن به بیمارستانی در ملارد شه‌ریار منتقل شد اما تاش پزشکان به نتیجه نرسید و این جوان جان خود را از دست داد. در بدو تحقیقات فردی که پیمان را به بیمارستان رسانده بود، عنوان کرد پیمان با فردی به نام احسان قرار داشت، پس از آن تحقیقات پلیس نشان داد احسان سارقی است که چندین ففره سابقه کیفری دارد، بنابراین او بازداشت شد و در بازجویی‌ها قتل را قبول کرد و جزئیات آن را شرح داد. نماینده دادستان تهران در ادامه خواستار مجازات متهم شد، سپس اولیای دم مقتول نیز خواسته‌شان را مبنی بر قصاص احسان مطرح کردند. خواهر پیمان که شب حادثه کنار برادرش بود، در توضیح آنچه از برادرش شنیده بود، گفت: من در خانه بودم که پیمان زنگ زد و گفت می‌خواهد به خانه ما بیاید. وقتی رسید گفت چند ساعتی در خیابان سرگردان بوده و مردی که قرار بود به او جنس بدهد، نیامد. برادرم تهران بدکی خودرو می‌رفت و رخت و پا پدرم در بازار تهران کار می‌کردند. شب وقتی شوهرم به خانه آمد، پیمان با او صحبت کرد و گفت می‌خواهد از کسی تعدادی کامپیوتر ماشین را به قیمت پایینی بخرد. چند ساعت بعد برادرم با تلفن همان فرد که بعدها فهمیدیم احسان است، تماس گرفت و برای پنج صبح قرار گذاشتند. شوهرم به او گفت سر قرار نرود چون خطرناک است اما پیمان جواب داد خودش هم فهمیده فروشنده آدم درستی نیست اما می‌رود یا پولش را از دست می‌دهد یا معامله انجام می‌شود. قرار شد او صبح زود با شوهر من برود اما نمی‌دانم چه شد که پشیمان شد. صبح که پیمان بیدارم کردم، گفت شوهرت را بیدار نکن با دوستم می‌روم. حدود ساعت هفت صبح بود که دوستش تلفن کرد و از من شماره شوهرم را خواست، پرسیدم چه شده است جواب درستی نداد. بعد از چند دقیقه شوهرم تلفن زد و خبر داد پیمان کشته شده است. در ادامه جلسه دادگاه، عظیم دوست مقتول در جایگاه حاضر شد.

او گفت: پیمان به من گفته بود یک تعداد جنس مرجوعی دارد که می‌خواهد آنها را از فردی به نام احسان بگیرد. پول زیادی هم همراه داشت، صبح ساعت پنج با او همراه شدم و به آدرسی که داده بود، رفتیم. وقتی رسیدیم پیمان و احسان در ماشین من چند کلمه‌ای صحبت کردند و بعد از خودرو پیاده شدند. من هم داشتم شیشه ماشین را پاک می‌کردم که دیدم پیمان آمده و مجروح بود و ناگهان روی ماشین افتاد، او را سوار کردم و به یک درمانگاه بردم، به دستش سرم وصل کردند و گفتند او را به بیمارستان ببر. او را به بیمارستان رساندم، تازه او را روی تخت گذاشته بودند که فوت شد. بعد از این عظیم، متهم پرونده در جایگاه حاضر شد. او اتهامش را قبول نکرد و گفت: من نمی‌خواستم کسی را بکشم. درگیری ما اتفاقا بود. مدت‌ها بود که پیمان به من گفته بود برایش کامپیوتر ماشین بیاورم. من این کامپیوترها را بسرقت می‌کردم و پیمان از من ۵۰ کامپیوتر خواسته بود. چون باید سرقت می‌کردم، زمان می‌برد تا آن را آماده کنم تا اینکه روز حادثه صبح خیلی زود با او قرار گذاشتم، با شخصی آمده بود او را دامانشان معرفی کرد و ما با هم در خودرو چند کلمه‌ای صحبت کردیم. بعد برای تحویل دادن اجناس پیاده شدیم، در کوچه به پیمان گفتم پول را نشان بده تا کامپیوترها را بدهم اما او خواست اول اجناس را تحویل بگیرم من قبول نکردم، او فکر می‌کرد من می‌خواهم پولش را از بدنم من هم فکر کردم او می‌خواهد اجناس را از من بگیرد و پول ندهد. همین هم باعث درگیری بین ما شد. من یک ضربه چاقو به او زدم، او هم من به دیوار کوبید و با مشت به جاتم افتاد، بعد که من را زمین زد، فرار کردم من هم به خانه‌ام رفتم. در پرونده آمده من چند ضربه زده‌ام اما این درست نیست من فقط یک ضربه زدم.

بنا بر این گزارش، بعد از پایان دفاعیات متهم و وکیل مدافع او هیات قضات شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران وارد شور شدند و متهم را به قصاص محکوم کردند.

شرق: میدان کاج، محمدشهر کرج، پل مدیریت و حالا خیابان پاسداران. یکبار دیگر جنایتی خیابانی همه را شوکه کرد. این بار مردی خشمگین روی همسرش چاقو کشید و او را با چند ضربه به قتل رساند. این قتل نیز در برابر چشم ناظران دوربین به دست به وقوع پیوست؛ البته این بار نیروی انتظامی و اوراُنس زودتر به محل حادثه رسیدند و پلیس ۱۵ دقیقه بعد و امدادگران پس از ۲۵دقیقه.

ساعت ۳۰ و ۳ دقیقه صبح روز دوشنبه اپراتور مرکز فوریت‌های پلیسی تهران به تلفن مردی جواب داد که از جنایتی خیابانی خبر داشت. شاهد نشانی را این‌طور اعلام کرد:نیاوران، خیابان پاسداران، روبه‌روی پمپ‌بنزین. ۱۵دقیقه بعد ماموران کلانتری پاسداران خودشان را به محل حادثه رساندند و بعد از عبور از حلقه ناظران خود را در برابر زن و مردی دیدند که هر دو خون‌آلود بودند. مرد چاقو به دست هنوز زنده بود و چراغ‌احتش سطحی به نظر می‌رسید، اما زن جان باخته بود.

امدادگران مرد زخمی را به سرعت به بیمارستان رساندند و تحقیقات پلیس به دستور بازپرس رسولی- بازپرس ویژه قتل تهران- آغاز شد تا مشخص شود حادثه چگونه رخ داده است. اولین نکته‌ای که کارآگاهان به آن پی بردند، هویت و نسبت قاتل و مقتول بود. قاسم و مریم زن و شوهری بودند که در پاکدشت سکونت داشتند و آن روز برای انجام کاری راهی شمال پایتخت شده بودند.

پلیس همچنین با پرس‌وجو از شهود دریافت قاسم در یک لحظه به همسرش حمله‌ور شد و او را مورد اصابت ضربات چاقو قرار داد و سپس خودزنی کرد. یکی از شاهدان عینی این حادثه که مرد بنگاهداری به نام مهدی است، درباره جزئیات این قتل به خبرنگار ما گفت: «من سوار اتوبوس از اقدسیه به سمت فرمانیه

می‌آمدم. روی صندلی نشسته بودم که متوجه قاتل شدم که سرپا ایستاده بود و با خشم به قسمت زنانه نگاه می‌کرد. نزدیک اقدسیه من، آن مرد و زنی دیگر که بعدا فهمیدم همسرش است، پیاده شدیم و به سمت جنوب با پای پیاده به راه افتادیم. من فاصله کمی با آنها داشتم و می‌شنیدم مرد مرتب به همسرش ناسزا می‌گوید و هراز گاهی هم مشتکی به پهلوی او می‌زند وقتی این صحنه‌ها را دیدم، تصمیم گرفتم دخالت کنم از مرد جوان پرسیدم مشکلی پیش آمده است؟ او با تندی جواب داد به من ربطی ندارد. بعد از چند لحظه من برای خرید روزنامه جلو یک دکه توقف کردم و آنها به رامشان ادامه دادند تا اینکه دیدم مرد ناگهان همسرش را به طرف شمشادها هل داد. مریم به سختی خودش را بیرون کشید و در همین هنگام متهم



شاهدان در حال تشریح جونی

شرق

دوباره او را به زمین انداخت و چاقویی را از جیبش بیرون کشید. بین چهار تا شش ضربه به او زد. در این هنگام من و یک مرد دیگر جلو رفتم اما فایده‌ای نداشت و مرد چاقو به دست داد می‌کشید مریم را کشتیم.» یک شاهد دیگر نیز به خبرنگار ما گفت: «متهم یک چاقوی آشپزخانه داشت که دست‌هایم زردرنگ بود. او چند ضربه پشت سر هم به رتش زد، بعد یک مرد که قفل فرمان در دستش بود به طرف قاتل حمله کرد و سر او عریده کشید. قاتل ترسید و شروع به ضربه زدن به خودش کرد اما بعد بدون هیچ عکس‌العمل دیگری روی زمین نشست.» شاهد دیگری نیز که در نزدیکی محل حادثه مغازه دارد، گفت: «مردم زیادی دور قاتل و مقتول جمع شده بودند و با موبایل‌هایشان فیلم و عکس می‌گرفتند. از دست کسی

پنج متهم دیروز به صورت غیر علنی محاکمه شدند

انکار تجاوز دسته‌جمعی به زن جوان در ملارد

از مقابل آنها رد می‌شدی؟ این زن که دو فرزند دارد، گفت: در تمام این مدت نتوانستم یک روز را با آرامش کنار فرزندانم بگذرانم. واقعیت را به آنها نگفتم، فقط گفتم سارقی طلاهایم را زددید اما آنقدر آشفته هستم که زندگی‌ام دگرگون شده است. او در مورد روز حادثه گفت: به عنوان مسافر سوار ماشین شدم و سه مرد سوار ماشین بودند. در راه آنها وارد یک جاده خاکی شدند. خواستم فرار کنم اما نشد. آنها با دوستان‌شان تماس گرفتند و آنها را هم خبر کردند. شاکی ادامه داد: وقتی به محل رسیدیم آنها چاقویی زیر گلولی من گذاشتند و از من خواستند از خواسته‌شان تمکین کنم. قبول نکردم، التماس کردم عکس دخترم را نشان دادم، عکس شوهرم را نشان دادم و گفتم من خانواده دارم، دست از سرم بردارید اما آنها من را تهدید کردند و برای اینکه بتوانم دوباره به خانه برگردم

شد و متهمان برای بازجویی به دادگاه رفتند، مدعی شدند ادعای شاکی دروغ است. آنها گفتند: درست است که ما با این زن رابطه نداشتیم اما او خودش راضی بود و ما به زور با او رابطه برقرار نکردیم. این زن به عنوان مسافر سوار ماشین شد و بعد وقتی ما پیشنهاد دادیم، قبول کرد و به بیان‌های اطراف ملارد مورد آزار جنسی قرار دادند. زن جوان بعد از راهایی از دست متهمان به پلیس شکایت کرد و گفت: برای رفتن به خانه‌ام سوار ماشین شدم. سه مرد در ماشین بودند. راننده به یک جاده خاکی پیچید و من اعتراض کردم اما دو مرد دیگر چاقو زیر گلویم گذاشتند و وادارم کردند به خواسته‌شان عمل کنم. بعد هم تماس گرفتند تا دو دوست دیگرشان هم بیایند و همگی من را مورد آزار قرار دادند. یک روز بعد از اینکه زن جوان مشخصات این پنج مرد را در اختیار پلیس قرار داد، متهمان بازداشت شدند. آنها در بازجویی‌های اولیه اعتراف کردند زن جوان را مورد آزار قرار دادند اما زمانی که پرونده به شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران ارجاع

کاری برنمی‌آمد چون زن همان اول مرده بود، قاتل هم ضربه‌های عمیقی به خودش نزد فقط خودش را زخمی کرد. ۱۵ دقیقه بعد پلیس آمد و ۱۰ دقیقه بعد از ماموران، اوراُنس سر رسید و قاتل و مقتول را بردند.»

در حال حاضر تحقیقات کارآگاهان اداره ۱۰ پلیس آگاهی پیرامون این پرونده ادامه دارد و آنها در تلاش هستند تا انگیزه متهم را از همسرکشی فاش کنند. به دلیل بستری بودن قاسم در بیمارستان هنوز بازجویی دقیق از او میسر نشده است اما پلیس احتمال می‌دهد چاقو به دست داد می‌کشید مریم را کشتیم.» یک شاهد بین این زوج شکل گرفته بود. بنا بر اطلاعات به‌دست آمده، قاسم نزد یکی از اقوام همسرش مشغول به کار بود اما بعد از سرقت از محل کار، انگشت اتهام به سوی قاسم نشانه گرفته و در حالی که مرد جوان منکر ارتکاب دزدی بود، اختلافاتی بین او و همسرش بر سر این موضوع به وجود آمد. هنوز به اثبات نرسیده همین اختلاف قاسم را به سمت ارتکاب قتل سوق داده باشد اما این فرضیه یکی از گزینه‌های موجود است. در همین حال سرهنگ آریا حاجی‌زاده، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران درباره این پرونده گفت: «با اطلاعات به‌دست‌آمده از شاهدان صحنه جنایت و قطعی شدن ارتکاب جنایت از سوی متهم «قاسم‌الف» که همسر خود را به قتل رسانده، قرار بازداشت موقت از سوی مقام قضایی صادر شده است و با تکمیل اقدامات درمانی، متهم برای انجام تحقیقات درخصوص انگیزه ارتکاب جنایت به اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی تهران منتقل خواهد شد.»این جنایت در حالی رخ داد که سال گذشته عامل جنایت در میدان کاج سعادت‌آباد در ملا‌عام به دار آویخته شد، عامل قتل دختر دانشجو در پل مدیریت حکمی مشابه دریافت کرده و پرونده زنی که در محمدشهر کرج در حضور مردم شوهر معتادش را از پای درآورد، همچنان در جریان است.

و دخترم را ببینم، مجبور شدم جانم را حفظ کنم. وقتی آنها من را مورد آزار قرار دادند، رهایم کردند، من هم فرار کردم و به خانه رفتم، و بعد هم شکایت کردم.» بعد از رسمی شدن دادگاه که به صورت غیرعلنی برگزار شد زن جوان یکبار دیگر شکایتش را مطرح کرد. سپس نوبت به متهمان رسید. هم پنج متهم اتهام خود را رد و ادعا کردند این زن خودش به برقراری رابطه تمایل داشت. متهمان گفتند بعد از اینکه با زن جوان رابطه برقرار کردیم، همگی سیگار روشن کردیم و او هم از ما سیگار خواست، بعد هم حرفی نزد و گفت دیرش شده و باید برود. متهمان در مورد اعترافات اولیه‌شان نیز گفتند: این اعترافات درست نیست. ما آن حرف‌ها را در کلانتری و آگاهی زدیم اما از زمانی که در دادگاه مورد بازجویی قرار گرفتیم همه را رد کردیم و باز هم رد می‌کنیم. بنا بر این گزارش، بعد از اتمام جلسه دادگاه، هیات قضات وارد شور شد و بعد از بررسی دفاعیات متهمان، گفته‌های شاکای و شواهد موجود در پرونده، رای خود را صادر می‌کنند.



عملیات نجات پسر جوان

عکس

رولان

عکس عمومی

آتش‌نشانی

نجات را زیر پل عابر پیاده آماده کردند و گروه دیگری از آنان برای ایمن‌سازی نرده‌های فلزی وسط خیابان را برداشتند.

نجاتگران همچنین پس از گفت‌وگو با این جوان که رضا نام دارد. وی را از انجام تصمیم‌اش منصرف کردند و با پایین آوردن او از بالای پل به نگرانی خانواده او و شهروندان حاضر در محل پایان دادند.

مسئولان قوه نظر به گذشت داشتند اعلام پیشیمانی می‌کرد می‌توانستیم. برایش رضایت بگیریم. او زمان اعدام به مسئولان اعلام کرد حرفی برای گفتن دارد. دادستان نیز دستور داد حرف‌های او به بشنومیم اما پس از تشکیل جلسه‌ای برای اظهاراتش گفت حرفی برای گفتن ندارم. اگر حرفی داشتم در این هشت سال در دادگاه می‌گفتم. شهلا ابتدا فکر می‌کرد اعدام او فیلم است اما وقتی خانواده لاله را دید که به زندان آمده‌اند زبانش بند آمد. حتی قادر نبود نمازش را با اراده خود بخواند. او را به سختی پای جویه‌دار بردیم. او به دست و پای مادر لاله افتاده بود و از او درخواست بخشش می‌کرد تا از اعدام رهایی یابد اما مادر لاله می‌گفت با وجود تهمت‌ها و دهن کجی شهلا در دادگاه دلیلی برای بخشیدن او ندار.» قاضی جابری درباره عامل جنایت میدان کاج سعادت‌آباد نیز توضیح داد: «یعقوب متهم

بسیار شیرین و لذت‌بخش بود. سینا در ۱۸سالگی بر سر خرید موادمخدر با دوست ۲۱ساله‌اش درگیر شد و او را به قتل رساند. وقتی می‌خواستیم حکم اعدام را اجرا کنیم سینا پای جویه‌دار درخواست کرد به او اجازه دهند تحت تأثیر موسیقی او قرار گرفتند و خانواده مقتول درخواست ۲۰۰میلیون تومان برای بخشش کردند. البته با برگزاری جلسات متعدد صلح

وقتی خانواده لاله را دید که به زندان آمده‌اند زبانش بند آمد. حتی قادر نبود نمازش را با اراده خود بخواند. او را به سختی پای جویه‌دار بردیم. او به دست و پای مادر لاله افتاده بود و از او درخواست بخشش می‌کرد تا از اعدام رهایی یابد اما مادر لاله می‌گفت با وجود تهمت‌ها و دهن کجی شهلا در دادگاه دلیلی برای بخشیدن او ندار.» قاضی جابری درباره عامل جنایت میدان کاج سعادت‌آباد نیز توضیح داد: «یعقوب متهم

حوادث

دوربین موبایل‌ها دوباره روشن شدند

همسرکشی در خیابان

نگاه

تعامل خانه و خیابان



سعید خراطها

استاد دانشگاه

■ چندی است که در جامعه شاهد افزایش رخدادهای انحرافی در کوچه و خیابان هستیم. در یک نگرش کلی به «محل» بروز رخدادهای جنایی و مجرمانه می‌بینیم که رقم قابل توجهی از این رخداده در کوچه و خیابان بروز می‌کند. از جمله نزاع و درگیری، سرقت، زورگیری و آدره‌بایی، مصرف موادمخدر و قتل. خیابان مکانی است عمومی که فرهنگ جامعه بر آن حاکم است و قاعدتا به واسطه حضور نیروهای کنترل رسمی و محل تجلی فرهنگ عمومی بودن، «قانون» بر آن تسلط بیشتری دارد. در حالی که کانون خانواده و خانه، محل تجلی فرهنگ خصوصی و خرده فرهنگ‌های خانوادگی است و «فرهنگ» بیشتری تسلط را بر رفتار اعضای خانواده در محیط خانه دارد. بنابراین امنیت افراد در خیابان برعهده پلیس و در خانه و خانواده تحت مسوولیت مناسبات فرهنگی است. با همین نگرش می‌بینیم وقوع یک قتل در خیابان، مسوولیت بیشتری را متوجه پلیس می‌کند تا قتل‌ی که در خانه اتفاق افتاده است. معمولا در بحث وقایع خانگی مسوولیت بیشتر متوجه متولیان فرهنگی جامعه است. آنچه از برآیند فرهنگ رایج در خیابان (را بویکر در آسیب‌شناسانه) می‌توان تشخیص داد این است که محل حال حاضر خیابان مکانی با حداقل امنیت است، محل عبور معنadan و محل خرید و فروش موادمخدر، سرقت، کیفیاقی و آزار و اذیت خانم‌ها وخشونت در خیابان تولید و بازتولید می‌شود. چشم‌چرانی، تن‌فروشی و ولگردی در فرهنگ خیابان معنا پیدا می‌کند و کارتن‌خوابی، تکی‌گری و… در همین «محل» مجال ظهور می‌یابد. تامل و مرلواده و حتی تقلیل با فرهنگ خیابان، ارزش‌ها و

هنجارهای خیابانی را بر جمعی از افراد تحمیل می‌کند و کنش‌های افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هرچه این تعامل و «خیابان‌پذیری» بیشتر باشد، فرد «خیلانی‌تر» شده و رفتار و گفتار او بیشتر جلوه‌گر فرهنگ خیابان می‌شود.اسنان خیابانی، فرهنگ خیابان را با خود به درون خانه می‌برد. ارزش‌ها و هنجارها، نظام تربیتی، مناسبات و روابط خیابانی را در خانه بازتولید می‌کند و خانه رنگ و بوی خیابان می‌گیرد. در این‌صورت خانه که محل تحمل، مدارا و محبت‌ورزی است به پرخطرنگری، خشونت و بی‌رحمی آلوده می‌شود و مصرف موادمخدر در حضور خانواده رخ می‌دهد، فعلیات، تهمت‌افزا و نزاع به خانه راه می‌یابد و خانه خیابانی می‌شود. در خانواده‌ای که فرهنگ خیابان در آن حاکم شده، تولید مثل می‌شود و «فرزند خیابانی» زاده می‌شود.فرزندکی که فرآیند فرهنگ‌پذیری او از پایه دچار اختلال است و از ارزش‌ها و هنجارهای ناآکارمد خیابان بر او تحمیل می‌شود و تحت تعلیم فرهنگ خیابانی قرار می‌گیرد. همچنین همنوایی فرهنگی نامبارک خانه و خیابان رفتار خانه را به خیابان می‌آورد و قبح رفتارهای خصوصی‌تر ادر خیابان می‌ریزد. عرصه‌های عمومی با عرصه‌های خصوصی تداخل می‌کند و خیابان محل تجلی اختلافات خانوادگی می‌شود و خانه عرصه اختلافات خیابانی. با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان دریافت که بروز قتل‌های متعدد اخیر در خیابان که با انگیزه‌های خصوصی و شخصی بروز می‌کند، حاصل غلبه فرهنگ خیابان بر خانواده‌هاست و آنها تحت تأثیر این شرایط قادر هستند، اختلافات خانوادگی را به خیابان بکشانند. به علاوه آثار توهمی، سوءمصرف موادمخدر خصوصا موادهای صنعتی زمینه‌ساز بروز اختلاف، نزاع و قتل در جامعه است. فشارهای اقتصادی، بیکاری، بدهکاری و احساس فاصله طبقاتی در افراد واکنش‌های خشونت‌بار را دامن می‌زند و از این روست که با افزایش تورم و بیکاری و ناتوانی خانواده‌ها در تأمین مایحتاج اولیه زندگی شاهد افزایش رخدادهای خشونت‌بار از جمله نزاع، قتل و خودکشی خواهیم بود.

رخداد

معاون سیما بخشنامه داد

پخش نمای نزدیک از خشونت ممنوع

■ **مهر:** معاون سیما طی یک بخشنامه جدید به مدیران شبکه‌های تلویزیون، پخش نمای نزدیک از خشونت‌های شدید به‌ویژه قتل و شکنجه و لحظات جان دادن قربانیان را ممنوع کرد. طی ابلاغیه از سوی علی دارایی، معاون سیما به مدیران شبکه‌ها، مدیران عامل و مدیران تأمین برنامه اعلام شد: پخش نمای نزدیک و طولانی از خشونت‌های شدید به ویژه قتل، ضرب و شتم، خونریزی، شکنجه و لحظات جان دادن قربانیان ممنوع است. در این بخشنامه تأکید شده نشان دادن هر گونه خشونت که به نحوی باعث جاذبیت و از میان رفتن قبح این مساله شود، ممنوع است. معاون سیما از مدیران خواست آثار پخش‌شدن ترویج‌دهنده روابط انسانی باشند و این مساله در تولیدات داخلی و پخش فیلم‌ها باید رعایت شود تا آثار پخش‌شده برای بینندگان آرا‌مش‌بخش باشد. در بخشی دیگر از این ابلاغیه آمده است نشان دادن ندعوهای خانوادگی نیز ممنوع است مگر آن‌که به مصلحت و انتقال یک پیام ارزشی کمک کند. طبق این بخشنامه، نمایش هر گونه شکنجه خود یا دیگری و قطع عمدی اعضای بدن موجود زنده یا مرده و مثله کردن نیز ممنوع شده است. دارایی تأکید دارد نباید آثار تلویزیونی به شکل افراطی قتل، آدمکشی و خودکشی را نشان داد که در ترویج‌دهنده خشونت باشد. همچنین پخش صحنه‌های مربوط به لحظه‌های برخورد سلاح سرد یا گلوله به بدن و زخمی شدن قسمتی از بدن یا شکسته شدن استخوان ممنوع شده است، حتی پخش صدای این موارد هم ممنوع اعلام شد.